

بررسی عوامل موثر بر فرزندآوری، سیاست گذاری های جمعیتی و پیامدهای ناشی از آن در کلانشهرهای ایران (نمونه مورد مطالعه، کلانشهر مشهد)

Investigating factors affecting childbearing, population policies and their consequences in Iran's metropolises (Study sample, Mashhad metropolis)

رستم صابری فر

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران ایران

r_saberifar@pnu.ac.ir

چکیده

کاهش نرخ باوری در ایران به خصوص در کلانشهرها، به یکی از نگرانی های اصلی مدیران تبدیل شده است. به همین جهت، راه حل های متعددی پیشنهاد و به مرحله اجرا درآمده است. اما تاکنون مطالعه دقیق و هدفمندی در این حوزه به خصوص در کلانشهرهای ایران به انجام نرسیده است. در این بررسی، شهر مشهد به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب گردید. مسئله اصلی مورد توجه آن بود که علی رغم نرخ باوری پایین در این شهر، نیروهای پیشران افزایش باروری در هر بخش کاملاً یکسان فرض شده است. به همین دلیل، سیاست گذاری ها عمدتاً بر ارائه مشوق های اقتصادی متمرکز می باشد. به این منظور، نمونه ای به حجم ۳۸۵ نفر مورد پرسش قرار گرفت. نتایج نشان داد که میزان بخت عدم تمایل به فرزندآوری با متغیرهایی مانند سن ($OR=1/007$)، طول کمتر دوره تاهل ($OR=0/92$)، سکونت در مناطق اصیل پردرآمد ($OR=2/18$) و مناطق منفصل ($OR=0/85$)، ارتباط معناداری دارد. اما دلایل عدم اقبال به فرزندآوری در بخش های کم درآمد، اقتصادی؛ در مناطق با درآمد متوسط، انگیزه های اجتماعی و در مناطق مرفه، زمینه های فرهنگی است. از آنجا که هر گروه نسل هایی با ویژگی های خاص (فاقد امنیت شناختی، هتلی و یا در آشیانه) به وجود خواهند آورد، تاکید بر یک عامل و مدنظر قرار دادن یک گروه، شکاف های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی را افزایش داده و به دلیل تغییر اساسی ساختار اجتماعی، بحران های سیاسی، امنیتی و اجتماعی فراوانی را در پی خواهد آورد.

کلمات کلیدی: سیاست گذاری، فرزندآوری، مشوق های فرزندآوری، بحران های شهری، مشهد.

Abstract

The decrease in the interest rate in Iran, especially in the big cities, has become one of the main concerns of managers. But so far, no detailed and targeted study has been done in this area, especially in the big cities of Iran. In this study, Mashhad city was chosen as the study sample. Because Mashhad is one of the cities with the lowest fertility rate. The main issue of interest was that, despite the low fertility rate in this city, the driving forces for increasing fertility in each sector are assumed to be completely the same. For this reason, policies are mainly focused on providing economic incentives. Therefore, the purpose of this descriptive and analytical review was to determine whether these incentives can achieve the desired goals? And basically, if only a certain group of people are considered, what are the consequences? For this purpose, a sample of 385 people was questioned. The results showed that the chance of not wanting to have children is related to various variables. Especially the relationship between age (OR equal to 1.007), shorter length of marriage (OR equal to 0.92), living in high-income areas (OR equal to 2.18) and separated areas (OR equal to 0.85), with a confirmed belief. But the reasons for not being lucky to have children in low-income areas are economic; In middle-income areas, it is social motives, and in prosperous areas, it is cultural grounds. Because each group will produce generations with special characteristics (lack of cognitive security, hotel or nest generation); Emphasizing one factor and considering one group will increase the economic, social and health gaps. And due to the fundamental change of the social structure, it will lead to many political, security and social crises.

Keywords: policy making, childbearing, childbearing incentives, urban crises, Mashhad.

یکی از شاخص‌های اصلی توسعه، داشتن جمعیتی متعادل و توزیع متوازن گروه‌های سنی و جنسی در هرم جمعیتی هر کشور و منطقه می‌باشد. این در حالی است که در سال‌های اخیر، بسیاری از ساز و کارهای موثر بر ساختار جمعیتی کشور، دچار تحول شده است. به عنوان نمونه، نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبه رو بوده است (نظری ندوشن و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴). همین عوامل و سایر زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کاهش فرزندآوری را در پی داشته و نسبت‌های مورد اشاره را به شدت تغییر داده و ضمن کاهش گروه فعال از نظر اقتصادی، جمعیت کهنسال و به اصطلاح سربار، رو به فزونی نهاده است. برای تبیین این شرایط، دلایل و انگیزه‌های متفاوتی توسط محققین مطرح شده است که یکی از مهمترین دلایل جهانی شدن می‌باشد. از دید این گروه، نرخ باوری در سطح جهان و از جمله ایران، کاهش یافته است. به طوری که تعداد فرزندان هر زن در کمتر از ۱۰۰ سال، از ۵ فرزند به کمتر از ۳ فرزند رسیده است (Wilson, 2001: 155). این روند در اغلب کشورهای جهان سوم و از جمله ایران که تاکنون بالاترین نرخ باروری را به خود اختصاص داده بودند نیز حادث شده است. به طور مشخص در ایران، میزان باروری کل برای هر زن از حدود ۷/۷ فرزند در ابتدای دهه ۴۰، به ۵/۳ فرزند در اوایل دهه ۶۰ کاهش یافته است (Aghajaniyan & Mehryar, 1999: 22). بعد از انقلاب اگرچه روند مورد اشاره دو باره سیر صعودی پیدا نمود، اما در دهه ۱۳۸۰، ابتدا به سطح جانشینی و سپس به زیر سطح جانشینی افت کرد (Abbasi-Shavazi & McDonald 2006; Abbasi-Shavazi et al., 2009). آخرین سرشماری رسمی انجام شده در ایران (۱۳۹۵)، نشان داد که باروری همچنان سیر نزولی دارد و به همین دلیل، سیاست‌گذاران به فکر چاره‌اندیشی برآمده و سعی دارند با ارائه مشوق‌های مختلف، شرایط را به وضعیت مطلوب نزدیک سازند. اما تجربه سیاست‌گذاری‌های سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که اهداف تعیین شده در این زمینه، محقق نشده و بیشترین نگرانی‌ها در ارتباط با وضعیت باوری در کلانشهرهاست. با توجه به تکرر و تنوع جمعیت در این مناطق، سیاست‌های یکسان و همانند نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را به همراه آورد. ظاهراً حتی اگر سیاست‌های در نظر گرفته شده که عمدتاً مشوق‌های مادی را مدنظر دارند، موفق به افزایش جمعیت شوند، این افزایش تنها به گروه خاصی از جمعیت اختصاص داشته و می‌تواند بسیاری از معادلات جمعیتی‌شناختی و اجتماعی را دگرگون سازد. در حقیقت، بسیاری از خانوارهای فقیر که هم اکنون طرف توجه سیاست‌های جمعیتی دولت (مشوق‌های مالی) هستند، به دلیل عدم توجه به همه ابعاد تربیتی فرزندان، در نهایت نسل‌هایی را تحویل جامعه می‌دهند که فاقد امنیت هستی‌شناختی بوده و هزینه‌های مختلفی بر جامعه وارد خواهند ساخت. جزیره‌ای نگاه کردن تنها به همین بخش محدود نشده و حتی گروه‌های متوسط و بالا را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیرا این گروه‌ها نیز نسل‌های هتلی و در آشیانه را راهی جامعه می‌کنند که نه تنها تضادهای موجود را بیشتر می‌سازند، بلکه فشار غیرقابل باوری بر زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و حتی قضایی وارد می‌کنند. در نتیجه، ضرورت دارد تا مطالعات دقیق و هدفمندی در این ارتباط به انجام برسد تا این تفاوت‌ها به طور دقیق مشخص شده و بر آن اساس، سیاست‌های متناسب تدوین و با برنامه‌های عملیاتی هماهنگ، به مرحله اجرا درآید.

برای ارزیابی دقیق‌تر مسئله مورد اشاره، محدوده مورد مطالعه در این بررسی شهر مشهد انتخاب شد. این شهر در میان کلانشهرهایی قرار دارد که نرخ باوری بسیار پایینی دارند. در واقع، علی‌رغم این که استان خراسان رضوی در شمار استان‌هایی است که نرخ باوری کل آن فراتر از میانگین ایران می‌باشد، اما نرخ باوری شهر مشهد، بسیار پایین‌تر از میانگین کشور می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این شرایط، نگرانی‌های فراوانی را در میان مسئولین و برنامه‌ریزان شهری به بار آورده و این گروه در تلاش هستند، شرایط حادث شده را به نحوی سر و سامان دهند. فرض اصلی این مطالعه آن است که سیاست مورد توجه کنونی که عمدتاً بر مشوق‌های اقتصادی تاکید دارد، مشکلات عدیده‌ای را در پی خواهد داشت. چرا که این سیاست نه تنها در بین

گروه‌های مرفه، بلکه در طبقات متوسط نیز چندان مورد اقبال نبوده‌است. بنابراین، حتی اگر این سیاست تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر فرزندآوری داشته‌باشد، تنها گروه‌های فقیر و حاشیه‌نشین را ترغیب به فرزندآوری خواهد ساخت. در این شرایط، بخش‌های فقر و کم درآمد شهر که هم اکنون هم با تراکم بالای جمعیت، زیرساخت‌های ضعیف و استقرار در محیط‌های بحرانی و خطرناک روبرو هستند، با چالش بیشتر و فزون‌تر روبرو خواهند شد. علاوه بر آن، به دلیل ضعف آموزش، مشکلات خانوادگی و ... باز تولید طبقه فقیر فزونی گرفته و بزه‌کاری‌های مختلف شدت پیدا می‌کند. بدون شک، چنانچه این مسئله به درستی تبیین و تشریح گردد، یافته‌هایی حاصل خواهد آمد که سیاست‌گذاران را ترغیب نماید تا پیامدهای چنین سیاست‌هایی را از هم اکنون مورد توجه قرار داده و برای آن چاره‌اندیشی کنند.

مبانی نظری

به لحاظ هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی، رفتار فرزندآوری، مقوله‌ای فردی و خانوادگی است. اما در شرایطی که تغییرات جمعیتی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی جامعه را متاثر سازد، کنشی استراتژیک قلمداد شده و دولت‌ها به خود حق می‌دهند با ابزارهای تشویقی و حتی تنبیهی، وارد مداخله شوند. اغلب این مداخلات بدون توجه به این نکته مهم است که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فناوری، محیطی، اقتصادی، سیاسی و بهداشتی بر باروری اثر گذار بوده (Khodayari Zarnagh et al., 2024) و نگاه تک بعدی وافی به مقصود نخواهد بود. برای اثبات این ادعا باید توجه نمود که نظریات و رویکردهای متعدد و بعضاً متناقضی در این حوزه مطرح گردیده‌است. بنابراین و قبل از ورود به بحث اصلی، بایستی این نظریات مورد نقد و بررسی قرار گیرد. البته که به دلیل تعدد نظریات ارائه شده در این زمینه، بررسی و ارزیابی همه آنها غیرممکن بوده و تلاش می‌شود به طور اختصار به چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره گردد.

یکی از اصلی‌ترین نظریه‌های مربوط به فرزندآوری، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده‌است (Ajzen, 1991, Ajzen, 2005; Fishbein & Ajzen, 1975). براساس این نظریه، افراد در تصمیم‌گیری‌های خود، منطقی عمل می‌کنند. درواقع، انتظارهای فعلی، بهترین پیش‌بینی کننده کنش‌ها و رفتارهای آینده هستند (Ajzen, 1991). در واقع، کنش و رفتار انسان‌ها، ناشی از کنترل رفتار ادراک شده، نگرش به رفتار، هنجارهای ذهنی و ویژگی‌های فردی می‌باشد. برخی از ویژگی‌ها ممکن است به عنوان عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری باورها، تعیین کننده نیت‌ها و کنترل‌های واقعی محسوب شوند. زیرا تبدیل نیت‌ها به رفتار را تعدیل می‌کنند. برای مثال، سن بر نگرش به عنوان متغیر پس‌زمینه اثر گذار است؛ اما به عنوان یک متغیر کنترلی عمل می‌کند؛ زیرا باروری با افزایش سن کاهش می‌یابد (Cavalli & Klobas, 2013).

نظریه مهم دیگری که در این حوزه مطرح شده‌است، تئوری گذار دوم جمعیتی است. نظریه‌ای که عمدتاً بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل دادن به ایده‌آل‌های فردی درباره خانواده و تبیین تحولات جمعیتی تاکید داشته (Lesthaeghe & Lesthaeghe, 2010, Lesthaeghe, 2020; Van de Kaa, 1987, Van de Kaa, 2001; Surkyn, 2012) و به ارتباط تغییرات جمعیتی با ظهور تحولات ارزشی و فرهنگی اشاره دارد. شاید نیروهای مورد اشاره همان‌هایی هستند که بر الگوهای نوین خانواده اثر گذارند. همین شرایط باعث شده‌است بر خلاف گذار اول جمعیتی، اکنون دل‌مشغولی فراگیر و گسترده به خود تحقق‌بخشی، آزادی انتخاب فردی، توسعه شخصیت و شیوه‌های زندگی در کانون توجه قرار گیرد (Van de Kaa, 2001). مقولاتی چون نسل‌های فاقد امنیت هستی‌شناختی، هتلی و در آشیانه، در همین نظریه قابل تحلیل و تبیین می‌باشند. در واقع، وقتی والدین نه تنها برای خود، بلکه برای فرزندان بهترین امکانات را فراهم می‌کنند و آینده اقتصادی را تیره و تاریک می‌بینند، تلاش دارند از همه امکانات موجود بهره‌برداری نموده و کمترین مسئولیت را بپذیرا شوند. شاید به همین دلیل است که فرزندان کنونی حتی مسئولیت اتاق اختصاصی خود را هم پذیرا نمی‌باشند. از این رو، هنجار شدن کم‌فرزندی و تابوزدایی از بی‌فرزندی، امر پذیرفته‌شده و

متداول می‌گردد. در نهایت این شرایط گذار ارزشی از فرزند را ممکن ساخته و فردمحوری و ایده‌آل‌گرایی را در پی می‌آورد. حتی اگر در چنین شرایطی فرزندی متولد شود یا توسط والدین به نسل در آشیانه (تربیت سفت و سخت توسط خانواده و حضور در کلاس‌های مختلف و ...) و یا به خاطر آینده مبهم، فرزندان بی‌توجه به شرایط، تنها به لذت‌طلبی و راحت‌طلبی روی آورده و در واقع، به نسل هتلی تبدیل می‌شوند.

سومین نظریه، تئوری اجتناب از خطر می‌باشد و تصمیم افراد به داشتن فرزند، چگونگی برنامه‌ریزی و تصمیم آنان را نسبت به زندگی آینده تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، چنانچه افراد آینده اقتصادی، اجتماعی یا شخصی را نامطمئن تصور کنند، بچه‌دار شدن را عملی آسیب‌زا و غیرعقلانی به حساب می‌آورند. در این صورت، بر ایده‌هایی چون آموزش، مشارکت در نیروی کار، ساعات کار بیشتر، پس‌انداز مالی و نظایر آن تمرکز خواهند کرد (McDonald, 2000; Arpino & Bellani, 2018). به طور کلی، نگرانی از خطرات اجتماعی و نااطمینانی اقتصادی و اجتماعی و همچنین بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی و چشم‌اندازهای اقتصادی بدبینانه، باروری را به شکل معناداری کاهش داده است (Lutz et al., 2006; Easterlin, 1987). در چنین شرایطی، ارائه هر نوع یارانه و یا کمک بلاعوضی به خانواده‌ها نه تنها به فرزندآوری کمکی نخواهد کرد، بلکه اگر هم سبک زندگی را تغییر نداده و مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی را به همراه نیاورد و منجر به تولد فرزند شود، فرزند متولد شده، در اسلوب نسل در آشیانه، تربیت خواهد شد. مطابق دیدگاه‌های نظری معرفی شده و پیشینه موضوع، می‌توان مدل مفهومی تحقیق کنونی را به شکل نمودار ۱، ارائه کرد.

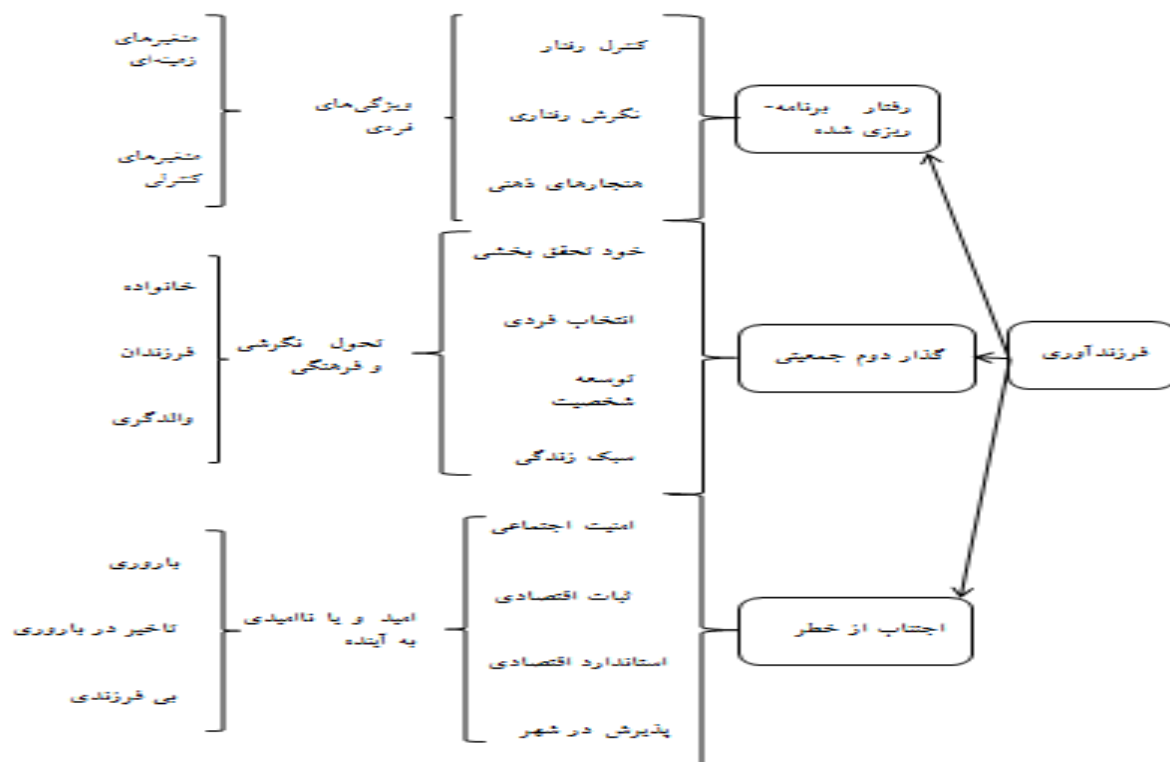
مواد و روش‌ها

روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی بود و با هدف کاربردی به انجام رسید. جامعه مورد مطالعه ساکنین شهر مشهد بودند که طبق آخرین سرشماری رسمی انجام شده، بیش از سه میلیون نفر در قالب ۹۳۰ هزار خانوار گزارش شده است. مطابق فرمول کوکران از این تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه مورد پرسش انتخاب شدند که همگی متاهل بوده و یا در مرحله ازدواج قرار داشتند. برای اخذ داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالات مرتبط با اهداف مطالعه، استفاده شد. روایی و پایایی این پرسشنامه بر اساس نظر اندیشمندان این حوزه (۱۰ نفر) و ضریب آلفای کرونباخ (در حد ۰/۸۳) تعیین گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آماره‌ها توصیفی و استنباطی به خصوص رگرسیون لجستیک بهره‌برداری شد. نرم‌افزار اصلی مورد استفاده در این بررسی SPSS بود.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد بررسی این مطالعه شهر مشهد در استان خراسان رضوی در شرق ایران بود. این شهر مرکز استان خراسان رضوی در شمال شرقی ایران در حوضه آبریز کشف رود، بین رشته کوه‌های بینالود و هزار مسجد واقع است. ارتفاع شهر از سطح دریا ۹۸۵ متر و فاصله آن از تهران ۹۶۶ کیلومتر است. مشهد در قلب دشتی قرار دارد که وضعیت شیب و ساختار فیزیکی آن تنگناهای زیادی بر آن وارد ساخته است (شکل ۲).

آب و هوای مشهد معتدل و متغیر است و وزش بادهای در آن بیشتر در جهت جنوب شرقی به شمال غربی است. حداکثر درجه حرارت در تابستان‌ها ۴۳ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان‌ها ۲۳ درجه زیر صفر است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت شهر مشهد در این سال، بالغ بر سه میلیون نفر بوده است که طبق آخرین برآوردها به سه میلیون و ششصد هزار نفر رسیده است. تعداد نواحی شهری مشهد ۴۲ ناحیه و شمار محلات آن نیز ۱۵۰ محله است.

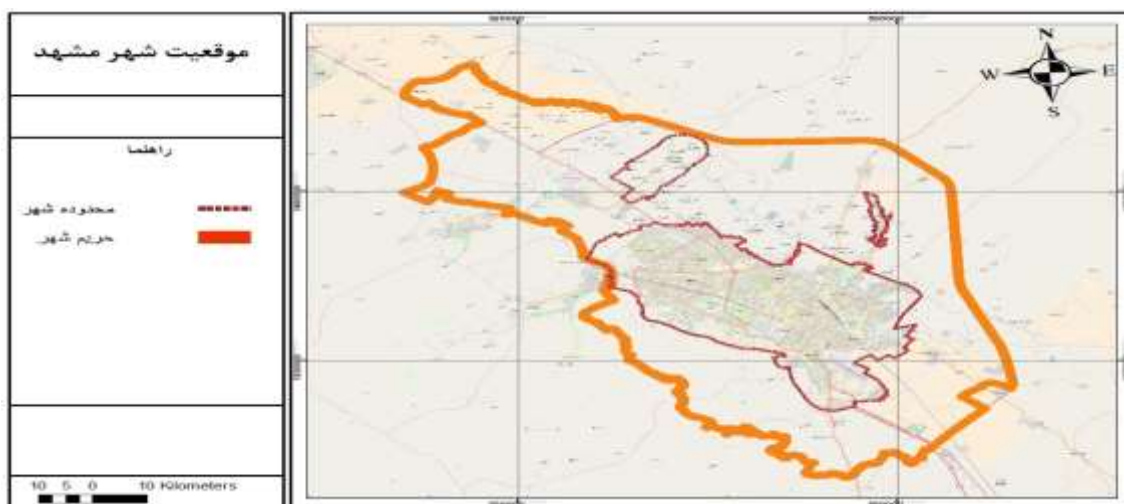


شکل (۱): مدل مفهومی

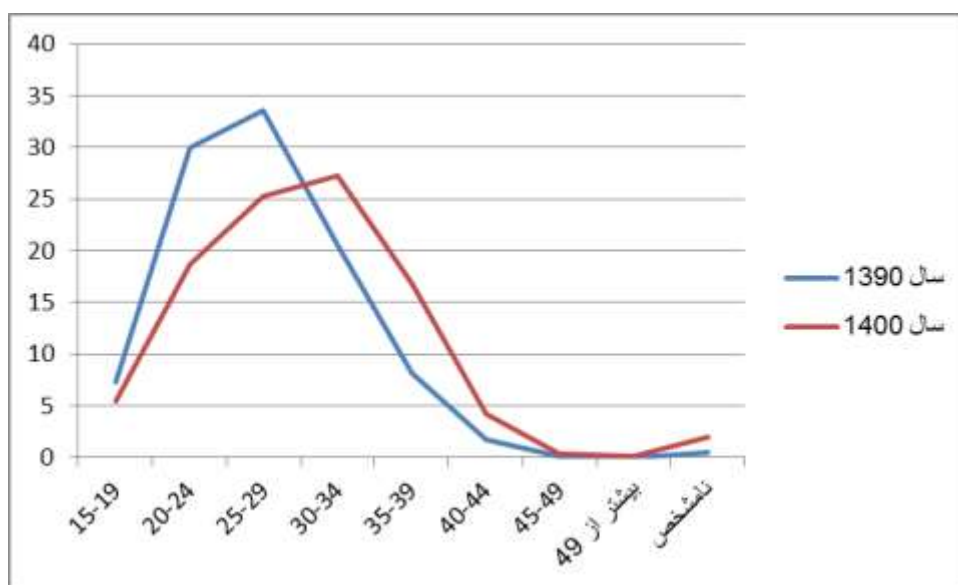
شهر مشهد در کنار بسیاری از بحران‌هایی چون آب، آلودگی و فرونشست، اکنون با پدیده سالمندی و بالارفتن سن باروری نیز روبروست. به همین دلیل، همه دستگاه‌های اجرایی مأموریت یافته‌اند که اقدامات مقتضی را در این زمینه انجام دهند. اما مشکل همچنان پابرجاست. مسئله اصلی این است که نرخ باروری کاهش یافته و به کمتر از نرخ جانشینی رسیده است. در حقیقت، در حالی که تعداد کل متولدین در سال ۱۳۹۰ در شهر مشهد ۶۲۹۶۲ نوزاد بوده است، این تعداد در سال ۱۴۰۰ به کمتر از ۵۸۱۱۷ نوزاد رسیده است. نکته بعدی، تغییر معنی‌دار الگوی باروری در مادران مشهدی است که در دهه اخیر با شیئی تند به سمت سن‌های بالاتر سوق پیدا کرده است. به طور مشخص، در حالی که در سال ۹۰ حدود ۷ درصد از ولادت‌ها مربوط به مادران ۱۵ تا ۱۹ ساله بود؛ این میزان در سال ۱۴۰۰ به حدود ۵ درصد کاهش پیدا کرده است. میزان تولدها از مادران ۲۰ تا ۲۴ سال، از ۲۸ درصد به کمتر از ۱۹ درصد رسیده است. درصد تولدها در مادران ۲۵ تا ۲۹ سال هم از حدود ۳۴ درصد به ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده است. اساساً، در حالی که در سال ۹۰، حدود ۲۰ درصد از متولدین، مادران ۳۰ تا ۳۴ سال داشته‌اند، این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۲۷ درصد رسیده است. سهم مادران ۳۵ تا ۳۹ سال از متولدین نیز از ۸ درصد در سال ۹۰ به حدود ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده است (شکل ۳).

یافته‌ها

به طور کلی، تنها ۳۰ درصد از پاسخگویان به فرزندآوری تمایل نشان داده و مابقی آنها، یعنی قریب به ۷۰ درصد، تمایلی به فرزندآوری نداشتند. سایر متغیرهای مرتبط با وضعیت جمعیت‌شناختی و عوامل زمینه‌ای مورد توجه این بررسی در جدول ۱، ارائه شده است.



شکل (۲): موقعیت شهر در دشت مشهد



شکل (۳): نسبت تولد فرزندان و سن مادران

مطابق همین اطلاعات، تمایل و یا عدم تمایل به فرزندآوری برای هر گروه از افراد متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، در بین پاسخ-گویان قریب به ۴۴ درصد از متولدين شهر مشهد بودند که در این گروه، افرادی که تمایل به فرزندآوری داشتند و آنانی که به این مهم رغبتی نداشتند، تفاوت چندانی دیده نمی‌شد. این در حالی است که گروه زیادی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق از مهاجرینی بودند که از سایر نقاط شهری استان خراسان رضوی به مشهد مهاجرت کرده بودند. از بین ۴۳ درصد حجم نمونه مورد پرسش که به این گروه تعلق داشت، اغلب در گروه مخالفین فرزندآوری قرار داشتند. علی‌رغم این که مشارکت‌کنندگان مهاجر از نقاط روستایی استان خراسان رضوی و متولدين نقاط شهری و روستایی سایر استان‌ها بسیار اندک بودند، اما درصد موافقین با فرزندآوری در این گروه نیز بسیار کمتر از کسانی بود که موافق این روند بودند.

از مجموع افرادی که در این بررسی در گروه شاغلین قرار داشتند، سهم کارمندان با ۴۳ درصد بیش از سایرین بود. اما به لحاظ عدم تمایل به فرزندآوری، بین سه گروه کارفرما، کارمند و کارگر تفاوت اندکی وجود داشت و اغلب آنها در گروه مخالفین فرزندآوری طبقه می‌شدند.

با توجه به این که در تحقیقات قبلی دلایل تمایل و یا عدم تمایل به فرزندآوری به عواملی چون تجربه سخت در خانواده راه‌یابی، خانواده‌های متزلزل، بی‌ثباتی سیاست‌های دولت در حوزه جمعیت، میل به مهاجرت در افراد و آینده مبهم اشاره شده بود، در این

بررسی نیز تاثیر این عوامل مورد پرسش قرار گرفت. مطابق اطلاعات به دست آمده، مشخص گردید که افرادی که عامل تجربه سخت را در عدم تمایل به فرزندآوری عنوان داشتند در اکثریت بودند و بیش از ۴۳ درصد مشارکت کنندگان را به خود اختصاص می دادند. در این گروه، اغلب افراد، عدم تمایل خود به فرزندآوری را اعلام داشتند. عامل خانواده متزلزل نیز توسط بیش از ۳۴ درصد مشارکت کنندگان به عنوان مانع اصلی عدم تمایل به فرزندآوری عنوان شده بود. این در حالی است که عدم تمایل به فرزندآوری به دلیل بی ثباتی سیاست ها، آینده مبهم و تمایل به مهاجرت به خارج از کشور به ترتیب با ۹/۱، ۸/۳ و ۷/۳ درصد، کمترین میزان مشارکت کنندگان را به خود اختصاص داده بودند.

پارامتر دیگری که در این بررسی به عنوان یکی از عوامل اصلی تاثیرگذار بر فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفت، سکونت در پهنه های مختلف شهر مشهد بود. تحلیل اطلاعات به دست آمده در این زمینه نشان داد که مشارکت کنندگان در این بررسی را می توان به لحاظ منطقه سکونت به پنج گروه مختلف طبقه بندی نمود. مطابق اطلاعات ارائه شده در جدول، بیشترین شرکت کنندگان از کسانی بودند که در مناطق با درآمد متوسط سکونت داشتند که در این بررسی از آنها با عنوان مناطق اصیل با درآمد متوسط یاد شده است. مطابق همین اطلاعات، به جز ساکنین مناطق حاشیه نشین و بافت های فرسوده، همه افراد، تمایل به فرزندآوری کمی داشتند. در این میان، گروه های ساکن در مناطق اصیل با درآمد زیاد، کمترین تمایل را اعلام کرده اند.

جدول (۱): وضعیت تمایل به فرزندآوری به تفکیک متغیرهای زمینه ای

شرح	بله	خیر	مجموع	
			تعداد	درصد
متولد مشهد	۸۷	۸۶	۱۶۸	۴۳/۷
شهری استان	۶۱	۱۰۵	۱۶۶	۴۳/۰
روستایی استان	۷	۱۴	۲۱	۵/۵
شهری سایر استانها	۷	۵	۱۲	۳/۰
روستایی سایر استانها	۱۳	۱۴	۱۸	۴/۸
کارفرما	۲۰	۴۱	۶۱	۱۵/۸
کارمند	۴۹	۱۱۷	۱۶۶	۴۳/۱
کارگر	۲۱	۳۷	۵۸	۱۵/۱
تجربه سخت	۵۴	۱۰۵	۱۵۹	۴۱/۳
خانواده متزلزل	۴۷	۸۴	۱۳۱	۳۴/۰
بی ثباتی سیاستها	۱۲	۲۳	۳۵	۹/۱
میل به مهاجرت	۱۴	۱۴	۲۸	۷/۳
آینده مبهم	۱۲	۲۰	۳۲	۸/۳
مستاجر	۱۳۳	۲۲۹	۳۶۲	۹۴/۱
مالک	۱۰	۱۳	۲۳	۵/۹
سکونت در حاشیه شهر	۱۸	۸	۲۶	۶/۵
سکونت در بافت فرسوده	۴۴	۳۸	۸۲	۲۱/۴
سکونت در مناطق اصیل کم درآمد	۴۸	۱۰۲	۱۵۰	۳۹/۱
سکونت در مناطق اصیل با درآمد متوسط	۲۰	۵۹	۷۹	۲۰/۶
سکونت در مناطق اصیل با درآمد زیاد	۱۰	۳۸	۴۸	۱۲/۵

نتایج حاصل از به کارگیری آزمون رگرسیون لجستیک در این مطالعه نشان داد، میزان بخت عدم تمایل به فرزندآوری با متغیرهایی مانند سن (OR معادل ۱/۰۰۷)، طول کمتر دوره تاهل (OR معادل ۰/۹۲)، سکونت در مناطق اصیل پردرآمد (OR معادل ۲/۱۸) و مناطق منفصل (OR معادل ۰/۸۵)، ارتباط معناداری دارد. همچنین میزان بخت عدم تمایل به فرزندآوری در افرادی که کارمند بودند، حدود ۱/۴۶ برابر افرادی بود که در طبقه کارفرمایان قرار داشتند. البته در بین همین مناطق نیز دلایل متعددی برای کاهش فرزندآوری قابل احصا بود که از مهمترین آنها می توان به خانواده غیرحمایتی، هویت متزلزل مرد به خاطر ناتوانی مالی، جایگاه متزلزل نان آور خانواده و دیدن تجربه طلاق (جایگاه متزلزل خانواده) اشاره کرد.

برای کسانی که در مناطق حاشیه ای، بافت های فرسوده، مناطق اصیل با درآمد پایین زندگی می کردند، میزان تمایل به فرزندآوری به ترتیب حدود ۴۸/۸ برابر، ۱۶/۰ برابر، ۵/۳۰ برابر افرادی بود که در مناطق اصیل پردرآمد ساکن بودند. میزان شانش فرزندآوری در زنان نیز حدود ۱/۴ برابر مردان بود. این شرایط برای افرادی که مالکیت منزلی را در اختیار داشتند، ۱/۵۱ برابر افرادی بود که در منازل استیجاری زندگی می کردند. فرزندآوری در افراد با سوادی در حد دیپلم و کمتر حدود ۱/۳۸ برابر فارغ التحصیلان دانشگاهی برآورد گردید (جدول ۲).

جدول (۲): عوامل موثر بر عدم تمایل به فرزندآوری در آزمون لجستیک

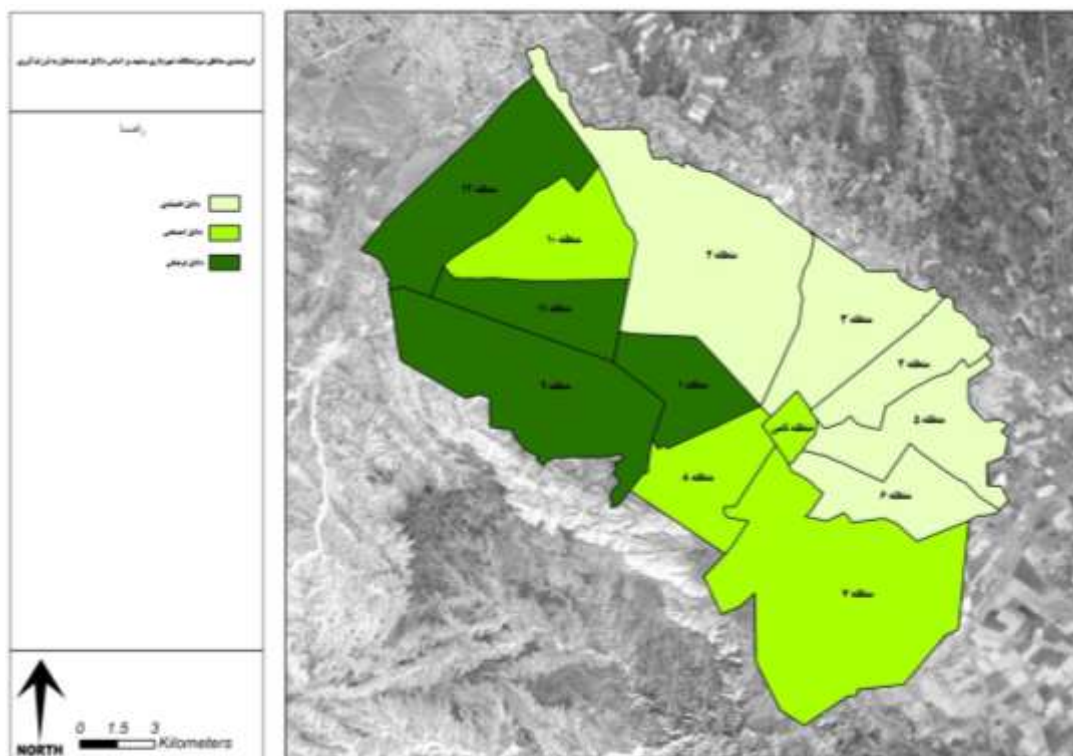
ردیف	یک متغیره شانس در سطح ۹۵٪	معناداری	چند متغیره شانس در سطح ۹۵٪	معناداری
سن	۱/۱۰	<۰/۰۰۱	۱/۰۷	<۰/۰۰۱
مدت تاهل	۰/۹۳	<۰/۰۰۱	۰/۹۲	<۰/۰۰۱
مرد	۱/۰۰		۱/۰۰	
زن	۰/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۶۷	<۰/۰۰۱
کارفرما	۱/۰۰		۱/۰۰	
کارمند	۱/۳۶	<۰/۰۰۱	۱/۴۶	<۰/۰۰۱
کارگر	۲/۲۳	<۰/۰۰۱	۲/۸	<۰/۰۰۱
متولد مشهد	۱/۰۰		۱/۰۰	
متولد شهری استان	۱/۳۸	<۰/۰۰۱	۰/۹۰	۰/۲۸۱
متولد روستایی استان	۴/۷۵	<۰/۰۰۱	۱/۰۴	۰/۷۷۳
متولد شهری سایر استانها	۰/۸۱	۰/۱۳۴	۲/۰۴	<۰/۰۰۱
متولد روستایی سایر استانها	۱/۱۵	۰/۰۶۹	۱/۰۷	۰/۴۵۶
مدت اقامت در شهر	۰/۹۲	<۰/۰۰۱	۱/۰۰	۰/۱۴۷
مناطق اصیل پردرآمد	۱/۰۰		۱/۰۰	
مناطق اصیل با درآمد متوسط	۱/۰۱	۰/۶۱۰	۲/۰۶	<۰/۰۰۱
مناطق اصیل کم درآمد	۱/۲۰	<۰/۰۰۱	۵/۳۶	<۰/۰۰۱
بافت فرسوده	۱/۹۳	<۰/۰۰۱	۱۶/۰۷	<۰/۰۰۱
مناطق حاشیه ای	۵/۹۷	۰/۰۰۲	۴۸/۹۸	<۰/۰۰۱
روستاهای الحاقی به شهر	۱/۹۱	<۰/۰۰۱	۲/۱۸	<۰/۰۰۱
مناطق منفصل	۱/۱۱	<۰/۰۰۱	۰/۸۵	<۰/۰۰۱

مستاجر	۱/۰۰		۱/۰۰	
مالک	۰/۵۸	<۰/۰۰۱	۰/۶۵	<۰/۰۰۱
فارغ التحصیلان دانشگاهی	۱/۰۰		۱/۰۰	
افراد دیپلم و پایین تر	۰/۷۴	<۰/۰۰۱	۰/۷۱	<۰/۰۰۱

همان‌طور که بیان شد، افراد بر اساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت، نگاه یکسانی به مسئله فرزندآوری ندارند. اما نکته مشترکی که در میان اکثریت آنها قابل مشاهده است این که از دید آنها اقتصاد متزلزل، تورم، مضیقه اقتصادی و ناامنی شغلی، اجازه تفکر به فرزندآوری را به آنها نمی‌دهد.

به هر حال، از آنجا که معمولاً افراد با توجه به ویژگی‌های مشترک در پهنه‌های خاصی از شهر مستقر می‌شوند، این فرض مطرح می‌گردد که هر یک از این پهنه‌ها، شرایط کاملاً متفاوتی در ارتباط با فرزندآوری خواهند داشت. به این منظور، در این بررسی، میانگین‌های شانس فرزندآوری محاسبه گردید و از این طریق، شرایط فرزندآوری در مناطق سیزدهگانه شهر مشهد مورد تحلیل قرار گرفت. قبل از این بیان شد که علی‌رغم نسبت پایین فرزندآوری در همه مناطق این شهر، دلایل و انگیزه‌های خانوارها در هر کدام از آنها، کاملاً متفاوت است. برای این که این وضعیت به طور دقیق‌تری مشخص گردد، شکل ۴، تهیه و تنظیم شده است. همان‌طور که در این شکل مشخص شده است، هر چند منطقه که اشتراکات بیشتری با هم داشته‌اند، در یک مجموعه گروه‌بندی شده‌اند. بر این اساس، بخش‌های وسیعی از مناطق، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ در قلمرو مناطقی قرار دارند که عدم تمایل به فرزندآوری آنها به دلایل اقتصادی مربوط است. این در حالی است که مناطق ۷، ۸، ۱۰ و ثامن از جمله مناطقی محسوب می‌گردند که با انگیزه‌های اجتماعی به سمت فرزندآوری تمایل نشان نمی‌دهند. در نهایت، مناطق ۱، ۹، ۱۱ و ۱۲ از جمله پهنه‌هایی به حساب می‌آیند که زمینه‌های فرهنگی، آنها را به این نتیجه رسانده است که از داشتن فرزند و یا لاقط فرزند بیشتر منصرف گردند. نکته بسیار مهم در این دسته‌بندی آن است که در گروه اول، تقریباً همه مناطق از گروه کم‌درآمدها محسوب شده و گروه دوم نیز در اختیار ساکنین با درآمد و تمکن مالی متوسط می‌باشد. اما گروه سوم، تفاوت‌های فاحشی داشته به جز به لحاظ فرزندآوری، وجه اشتراک چندانی با هم ندارند. به عنوان مثال، منطقه ۱۲ شهرداری مشهد، شرایطی به کلی متفاوت با مناطق ۱، ۹ و ۱۱ دارد. این منطقه، علاوه بر این که مناطق پراکنده متعددی را در قلمرو خود دارد، از جمله پهنه‌هایی است که اخیراً به محدوده خدماتی شهر اضافه شده و اغلب ساکنین آن از مهاجرین تازه وارد تشکیل شده و یا افرادی از جمعیت بومی هستند که به این منطقه جا به جا شده‌اند که به دلیل مشکلات اقتصادی و ... امکان دسترسی به مساکن کم وسعت و ارزان قیمت را پیدا کرده‌اند. در واقع، دلایل این افراد برای عدم تمایل به فرزندآوری، تقریباً همه شرایط قبلی یعنی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ اما به جهت آن که دلایل فرهنگی اولویت بیشتری داشته است، در این گروه قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده، مهمترین دلیل تمایل به فرزندآوری مالکیت منزل، سکونت در مناطق خاصی از شهر و طبقه شغلی بوده است. در مقابل، اجاره‌نشینی، نداشتن شغل ثابت و پردرآمد و بدبینی به آینده اقتصادی، اصلی‌ترین عواملی بوده‌اند که خانوارها را از داشتن فرزند باز می‌داشته است. مصاحبه‌های عمقی با برخی از این خانواده‌ها نشان داد که در ورای این دلایل ساده و بسیط، انگیزه‌های اساسی‌تری هم مطرح می‌باشد که برخی از آنها را می‌توان به این شرح بیان داشت:



شکل (۴): گروه‌بندی مناطق شهرداری مشهد بر اساس انگیزه‌ها و دلایل عدم تمایل به فرزندآوری

دولت و سیاست‌های تدوین شده: بسیاری از خانواده‌ها وعده‌های ارائه شده از سوی مسئولین و مدیران را واهی، غیر واقع‌بینانه و غیر قابل تحقق می‌دانند. همین شرایط بیم و هراس‌های اقتصادی وسیع را در پی دارد و خود را در قالب شکنندگی پارامترهای اقتصادی، ناامنی شغلی، فاصله از ایدئال‌های ذهنی و اقتصاد متزلزل، اقتصاد بیمار و مضیقه اقتصادی، نشان می‌دهد.

ناامیدی نسبت به آینده کشور: تعداد کمی از افراد، شرایط اقتصادی، اجتماعی و ... کشور را تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، نامناسب و غیرقابل اصلاح تلقی نموده و به همین دلیل در فکر مهاجرت بوده و یا حداقل در پی فراهم سازی شرایطی هستند که بتوانند مهاجرت فرزندان خود را فراهم نمایند. گروهی که شرایط بهتر و مناسب‌تری دارند، تلاش خود را بر آن قرار داده‌اند تا فرزند خود را در کشور دیگری بدنیا آورده و با کسب تابعیت آن کشور، به نوعی آینده فرزند خود را تضمین نمایند.

هزینه‌های چندگانه: به عقیده بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق، هزینه مادی، احساسی و زمانی تربیت فرزند در شرایط کنونی بسیار افزایش یافته و فرزندان کنونی امکانات رفاهی بسیار وسیعی را طلب می‌کنند. در واقع، بسیاری از آنها دچار نوعی آینده هراسی هستند. به همین دلیل اغلب آنها آینده را نامعلوم، تصور می‌کنند. این ابهام تنها در بخش مالی خلاصه نشده و ابعاد ذهنی و احساسی را هم شامل می‌گردد. به همین دلیل، داشتن فرزند به خصوص تعداد زیاد آنها مشکلات موجود را چند برابر می‌سازد. از همین‌رو، اغلب مشارکت‌کنندگان، کیفیت فرزند به کمیت آن را ترجیح داده و اگر هم خانواده‌ای در پی فرزندآوری باشد، به یک و یا حداکثر دو فرزند فکر می‌کند که در این میان آنانی که به تک فرزندی می‌اندیشند، تعدادشان بسیار بیشتر از سایرین است. نکته بسیار مهم‌تر آن است که این افراد برای به دنیا آوردن همین یک فرزند نیز تاخیر بسیار زیادی دارند. از دید این گروه، باید فرزندآوری را تا رسیدن به اوضاع ایدئال و رسیدن به ثبات نسبی به تاخیر انداخت. مشارکت‌کنندگانی که اخیراً تولد فرزند را تجربه کرده بودند، هزینه‌های تولد فرزند را سرسام‌آور و بسیار سنگین اعلام کرده و به همین دلیل هزینه‌بر بودن زایمان، و مراقبت‌های حین بارداری را یکی از انگیزه‌های عدم تمایل به فرزندآوری عنوان کردند. در این گروه خاص، شاید انگیزه‌های مادی پیشنهادی دولت بتواند اثرگذار باشد. البته این کمک‌ها نمی‌تواند به همین بخش محدود

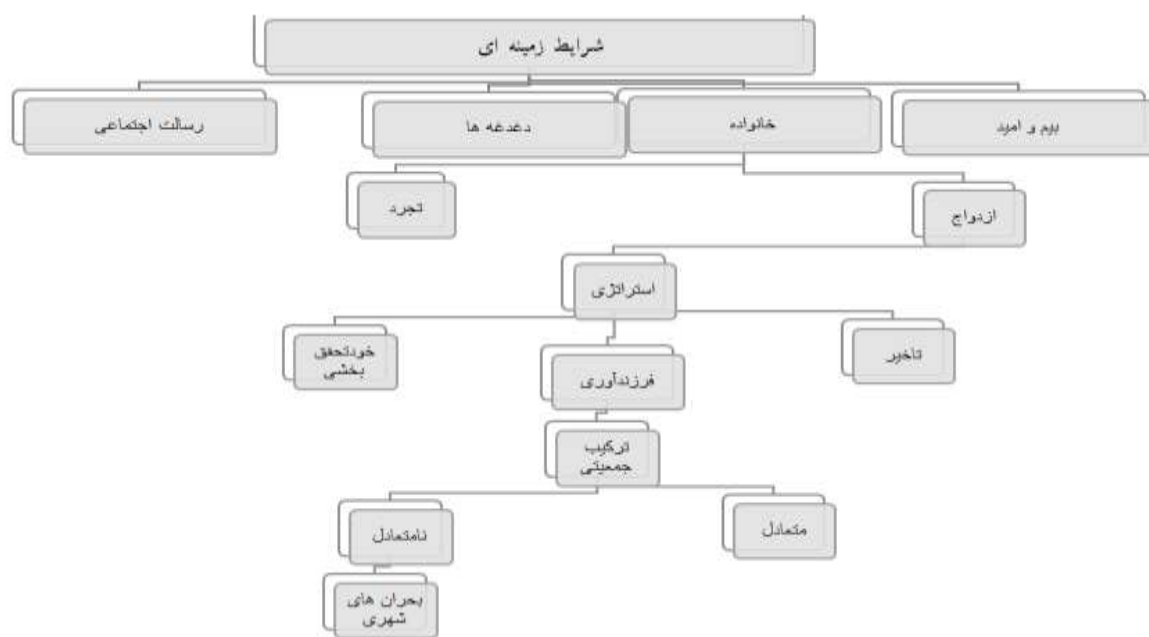
شود. چرا که در همین ارتباط، بایستی به دغدغه آموزشی، تربیتی، احساسی، اجتماعی و اقتصادی هم اشاره کرد. وضعیتی که باعث شده است شعارهای فرزند بیشتر خانواده بهتر، کمتر مقبولیت داشته و کم فرزندنی تقاضای اجتماعی، تلقی گردد. به طوری که اکنون بسیاری از افراد از عنوان این که بیش از دو فرزند دارند، خجالت کشیده و در نزد بسیاری از افراد مرفه جامعه، فرزند زیاد، نشانگر فقر فرهنگی است.

فردگرایی و خود تحقق بخشی: بسیاری از مشارکت کنندگان دچار نوعی ناامنی احساسی بوده و در چنین شرایطی، فرزند را نه به عنوان نوعی دلگرمی و معنابخشی به زندگی، بلکه مزاحم و مخل آسایش قلمداد می کنند. از همین رو، بسیاری از زندگی احساس رضایت کمتری داشته و حضور فرزند را سبب کم شدن آرامش، رفاه ذهنی و خوشبختی تصور می کنند. حتی آنانی که دچار چنین ترس هایی نمی باشند، نگرانی های مهمترین در ارتباط با مسئولیت پذیری فلسفی-اجتماعی داشته و تربیت فرزند را بسیار سنگین و بعضاً غیر ممکن تلقی می کنند. از دید این گروه، در شرایط کنونی می توان جامعه را تربیت نشده، ناامن، افسارگسیخته، ناامید و مملو از اخبار ناگوار تصور نمود. در نتیجه، آنها تمامی مسیرهای عمومی و گسترده تربیت فرزندان را به چند مدخل مشخص محدود ساخته اند. چنین فرزندانی کمترین تماس را با همسالان، همسایگان و حتی اقوام و خویشان داشته و در بست در حیطه نفوذ کلامی و شبه کلامی خانواده، در حد محدودی مدارس و موسسات آموزشی آزاد می باشند. شرایطی که باعث شده این گروه از افراد را نسل در آشیانه بنامند. در این وضعیت افراد از تماس عمیق و گسترده با همنوع پرهیز نمود و تعامل و ارتباطات بعدی را مشکل خواهند دید. این تنگناها در شرایطی است که چنین شیوه ای از تربیت فرزندان، آن را هزینه بر نموده و گاه والدین را در دو راهی عقل و احساس قرار می دهد. گرچه در نهایت خردگرایی، برنامه محوری و تاکید بر کیفیت به جای کمیت، نسل های در آشیانه بیشتری را روانه جامعه خواهد ساخت. مطابق شرح ارائه شده در فوق، مدل فرزندآوری در کلان شهر مشهد را می توان در قالب شکل شماره ۵، ارائه کرد.

بر این اساس، صرف توجه به مسائل اقتصادی نمی تواند مشکلات مربوط به کاهش مولید را مرتفع نماید. در نتیجه، سیاستگذاران بایستی به ابعاد دیگری در این زمینه توجه نمایند که تاکنون چندان مدنظر نبوده است. در حقیقت، آنچه بیش از هر عاملی در فرزندآوری مورد توجه خانواده ها می باشد، اعتماد به آینده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. این شرایط هم وقتی تامین خواهد شد که رابطه دولت و ملت به صورت دقیق و موجهی برقرار شده و سرمایه اجتماعی بین فردی و بین گروهی شکل بگیرد.

بحث و نتیجه گیری

نگرانی های مطرح شده در ارتباط با کاهش فرزندآوری و مشکلات اقتصادی و اجتماعی حادث شده در این زمینه، باعث گردیده است که مطالعات گسترده ای در این حوزه به انجام برسد. اما، اغلب آنها حوزه جغرافیایی خود را کل کشور و یا پهنه های جغرافیایی شهرستان و منطقه در نظر داشته اند که در مجموع از چند روستا، شهرک و شهر تشکیل شده بودند. اما شرایط خاص کلاتشهرها باعث می شود که یافته های مطالعات انجام شده را نتوان به این پهنه ها تعمیم داد. به همین منظور، در این مطالعه وضعیت فرزندآوری در کلان شهر مشهد مورد بررسی قرار گرفت.



شکل (۵): مدل فرزندآوری کنونی در کلان شهر مشهد و پیامد نهایی آن

یافته‌های این مطالعه نشان داد که به طور کلی تمایل به فرزندآوری در این کلانشهر بسیار پایین‌تر از متوسط کشوری است و بیش از ۷۰ درصد از افرادی که ازدواج کرده و یا در سن باروری قرار دارند، تمایلی به فرزندآوری ندارند. علاوه بر آن، شانس فرزندانآوری در زنان تقریباً یک و نیم برابر مردان است. این در حالی است که یافته‌های مطالعه منتظری (۱۳۹۵) که در مناطق شهری و روستایی ایران به انجام رسیده است، با نتایج این مطالعه همراستا نیست. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که وضعیت جمعیت - شناختی کلان‌شهرها کاملاً متفاوت با متوسط کشوری به خصوص شهرهای کوچک و روستاها می‌باشد. شاید به همین دلیل است که نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های بررسی طاووسی و همکاران (۱۳۹۴) هماهنگ می‌باشد. چرا که مطالعه مورد اشاره، در کلانشهر اصفهان صورت گرفته است، همانند یافته‌های این مطالعه، تمایل به فرزندانآوری زنان تقریباً به همان میزان یک نیم برابر مردان عنوان شده است.

در این بررسی، مشخص گردید با افزایش سن، تمایل به فرزندآوری کاهش شدیدی پیدا می‌کند. به عنوان مثال، به ازای اضافه شدن هر یک سال به سن ازدواج، حدود ۸ درصد شانس فرزندآوری کاهش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۰) و راد و ثوابی (۱۳۹۴) همراستا می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر مشخص ساخت که بدون توجه به جنسیت، با افزایش سال‌های تحصیل، تمایل افراد به داشتن فرزند کاهش پیدا می‌کند. این نتیجه، با یافته‌های به دست آمده در کار طاووسی و همکاران (۱۳۹۴) و منتظری (۱۳۹۵) که نشان دادند با افزایش میزان تحصیلات، افراد تمایل کمتری به فرزندآوری دارند، هماهنگ می‌باشد.

در ارتباط با محل تولد افراد هم مشخص شد که متولدین مناطق شهری سایر استانها که به مشهد مهاجرت کرده‌اند، تقریباً ۲ برابر کمتر از متولدین شهر مشهد، تمایل به فرزندآوری دارند. سایر گروه‌های مهاجر نیز تمایل به فرزندآوری یکسانی داشتند.

مطابق نتایج به دست آمده در این بررسی، موقعیت و جایگاه شغلی افراد نیز تاثیر شدیدی بر تمایل به فرزندآوری داشته است. در این مطالعه، مشخص شد افرادی که مالک کسب و کار خود بودند و یا در نقش کارفرما سایرین را به کار گرفته بودند، تمایل بیشتری به فرزندآوری داشتند. این در حالی بود که کارگران و کارمند، تلاش داشتند تا فرزند کمتری داشته باشند تا مشکلات آنها از شرایط موجود بیشتر نشود. به طور کلی، کارگران حدود ۳ برابر و کارمند تقریباً دو برابر کمتر از کارفرمایان تمایل به

فرزندآوری داشتند. برخی از مطالعات همین نتایج را در ارتباط با درآمد به دست آورده‌اند. ظاهراً با توجه به این که کارفرمایان و کارمندان، اغلب درآمد بیشتری دارند، می‌توان نتایج این مطالعه را با این بخش از یافته‌های مطالعات دیگر مقایسه نمود. بر این اساس، نتایج کار طاووسی و همکاران (۱۳۹۴) با یافته‌های این مطالعه همسان می‌باشد. مطابق یافته‌های مطالعه حاضر، با حرکت از مناطق حاشیه‌ای به سمت مناطق اصیل پردرآمد، میزان فرزندآوری به شدت کاهش یافته و عدم تمایل به فرزندآوری برای مناطق پردرآمد اصیل، تقریباً دو برابر مناطق حاشیه‌ای می‌باشد. در واقع، افرادی که با مشکلات کمتری در زمینه تهیه مسکن روبرو بوده‌اند، تمایل کمتری به فرزندآوری داشته‌اند. البته این یافته با وضعیت مالکیت مسکن و یا داشتن مسکن استیجاری اندکی متفاوت بوده و مطابق یافته‌های این بررسی، افرادی که مالک مسکن بوده‌اند، در مقایسه با مستاجرین، تمایل بیشتری به فرزند داشته‌اند. به‌طور کلی بدون توجه به خصایص زمینه‌ای، آنچه بالاترین اثر را در فرزند و فرزندآوری داشته است، وضعیت شغلی، درآمدی، دسترسی به مسکن و ایدئالهای فردی و خانوادگی بوده است. چرا که این شرایط کل وضعیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این معنا که گروهی به دلیل تامین هزینه زندگی و تهیه مسکن از این امر سرباز زده‌اند و گروهی نیز به لحاظ شرایط اقتصادی مناسب و افزایش خودمحموری و مادی‌نگری، تمایل ندارند فرزند داشته و یا تعداد آنها از حد معینی فراتر رود. این یافته با نتایج کار، شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) همراستا می‌باشد.

مطابق یافته‌های این مطالعه، علاوه بر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شرایط جغرافیایی و محل استقرار افراد در شهر نیز از جمله عوامل اثرگذار بر تمایل به فرزندآوری هستند. شاید یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت و یا حداقل موفقیت اندک سیاست‌های مشوق فرزندآوری، همین بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به همه عوامل اثرگذار در این روند بوده است. به طوری که در اغلب موارد، مشوق‌های ارائه شده برای فرزندآوری به ارائه زمین، بهبود اشتغال و ... محدود شده است. همان‌طور که در این مطالعه مشخص گردید، بسیاری از این عوامل در عین حال که در گروهی از افراد می‌تواند تمایل به فرزندآوری را بیشتر نماید، اما بخش زیادی از افراد و خانوارها را به سطحی از رفاه می‌رساند که اصولاً فرزند بیشتر را محل آسایش و آرامش خود می‌دانند. در نتیجه، ضرورت دارد که برای هر منطقه جغرافیایی و حتی بخش‌های فرعی هر پهنه از سرزمین و حتی یک شهر، سیاست و رویکردی همراستا با شرایط و روحیات مردم ساکن در آن پهنه مدنظر قرار گیرد. به عنوان مثال، ارائه تسهیلات به روستائانی که در نهایت مهاجرت آنها را به شهر در پی دارد، نه تنها به تمایل به فرزندآوری آنها کمک نمی‌کند، بلکه این انگیزه را کاهش داده و پیامدهای دیگری چون حاشیه‌نشینی، بیکاری و ... را تشدید می‌کند. به نظر می‌رسد با سیاست‌های کنونی دولت که مشوق‌های مادی را در کانون توجه قرار داده است، حتی اگر رشد جمعیتی اتفاق افتد، بیشتر در پهنه‌هایی خواهد بود که هم اکنون با چالش‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبرو هستند. این روند علاوه بر تشدید شکاف طبقاتی کنونی، زیست اجتماعی و اقتصادی کلانشهری چون مشهد را با تهدید اساسی روبرو خواهد ساخت. چرا که چالش‌های اجتماعی و حقوقی را بیش از پیش ساخته و حتی ممکن است ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و قضایی در خود پهنه‌های پر جمعیت را مشکل و بعضاً غیر ممکن سازد. این در حالی است که سه گروه مورد اشاره هریک فرزندان خاصی تربیت نموده و این گروه‌های به طور طبیعی نمی‌توانند زیستی سازگار و منسجم داشته باشند. چرا که بسیاری از کودکانی که در خانوارهای عمدتاً فقیر به دنیا آمده و پرورش پیدا می‌کنند، فاقد امنیت هستی‌شناختی بوده و معمولاً بطور بالقوه در معرض بزه دیدگی و یا بزهکاری قرار دارند. این شرایط برای خانوارهای مرفه و متوسط‌الحال هم مطرح بوده و آنها نیز نسل‌های در آشیانه و یا هتلی را پرورش می‌دهند که نه تنها هنجارهای خانوادگی را به سخره می‌گیرند، بلکه تعامل و ارتباط سالمی با سایر آحاد جامعه ندارند. در واقع، دولت و نظام سیاست‌گذاری کشور اگر نمی‌تواند این چالش‌هایی که هم اکنون نیز در جامعه رواج دارد را به طریقی رفع و رجوع نماید،

حداقل با ارائه مشوق‌هایی که جمعیت یک گروه از این بخش‌ها را افزایش داده و تعادل شکننده کنونی را به شدت دگرگون خواهد ساخت را متوقف نموده و یا تغییر دهد.

منابع

- ادیبی سده، مهدی؛ ارجمند سیاهپوش، اسحاق و درویش‌زاده، زهرا (۱۳۹۰): بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۱)، صص ۸۱-۹۸.
- اوجاقلو، سجاده؛ مرادی، عباس؛ قاسمی، ابراهیم و ارشدی، جمال (۱۳۹۳): تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی: مطالعه موردی شهر زنجان، زن در فرهنگ و هنر، ۶(۳)، صص ۴۲۵-۴۰۹.
- ترکیان ولاشانی، صاحب جام؛ زمانی علویجه، فرشته؛ حیدری، زهرا و شوشتری مقدم، الهه (۱۳۹۸): فرزندآوری: عوامل سوق دهنده و بازدارنده، پایش، ۱۸(۳)، صص ۲۴۹-۲۴۱.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمد و عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۵): جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۱(۲۲)، صص ۱۳۵-۱۰۱.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۱): قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۲ سال ساکن تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۷(۱۳)، صص ۲۹۱-۲۵۶.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و کیانی علی‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۷): بازاندیشی در معنای فرزند و دلالت‌های آن در زندگی: رهیافت کیفی در زنان متأهل بی‌فرزند ساکن شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳(۲۵)، صص ۱۰۶-۶۷.
- راد، فیروز و ثوابی، حمیده (۱۳۹۴): بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر تبریز)، مطالعات زن و خانواده، ۳(۱)، صص ۱۵۵-۱۲۷.
- رازقی نصرآباد، حجه و سرایی، حسن (۱۳۹۳): تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان، زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۲)، صص ۲۵۰-۲۲۹.
- رضوی‌زاده، ندا؛ غفوریان، الهه و اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴): زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تاخیر در فرزندآوری: مورد مطالعه شهر مشهد، راهبرد فرهنگ، ۸(۳۱)، صص ۹۸-۷۳.
- شمس قهفرخی، فریده؛ عسکری ندوشن؛ عباس؛ عینی‌زیناب، حسن؛ روحانی، علی و عباسی شوازی، محمدجلال (۱۴۰۱): در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، صص ۲۸-۱.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، محمداسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ حائری مهریزی، علی‌اصغر؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی (۱۳۹۴): فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی، نشریه پایش، ۱۴(۵)، صص ۶۰۵-۵۹۷.
- طاووسی، محمد؛ حائری مهریزی، علی‌اصغر؛ صدیقی، ژیلای؛ مطلق، محمد و اسلامی نقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۶): تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی، پایش، ۱۶(۴)، صص ۴۱۰-۴۰۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و خواجه‌صالحی، زهره (۱۳۹۲): سنجش تاثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری: مطالعه موردی شهر سیرجان، زن در توسعه و سیاست، ۱۱(۱)، صص ۶۴-۴۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال، حسینی چاوشی، میمنت و بنی‌هاشمی، فریبا سادات، فتحی، الهام، میرزایی، صفیه، نصیری‌پور، مجتبی، جاوید، نورمحمد، عباسی، آسیه، سرخیل، بهناز و حسینی، سید مسعود (۱۳۹۹): تحولات باروری در ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵، تهران، پژوهشکده آمار.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ رازقی نصرآباد، حجه و حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۹۹): امنیت اقتصادی اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۵(۲۹)، صص ۲۳۸-۲۱۱.

عباسی شوازی، محمد جلال؛ مکدونالد، پتر؛ حسینی چاوشی، میمنت و کاوه فیروز، زینب (۱۳۸۱): بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش های کیفی، نامه علوم اجتماعی، ۲۰ (۱۰)، صص ۲۰۳-۱۶۹.

عرفانی، امیر (۱۳۹۱): گزارش تفصیلی پیمایش نیت باروری تهران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

فروتن، یعقوب؛ سعیدی مدنی، محسن؛ عسکری ندوشن، عباس و اشکاران، ربابه (۱۳۹۳): الگوها و تعیین کننده های ترجیح جنسیتی در شهرستان نکا، استان مازندران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۹ (۱۷)، صص ۱۹۱-۱۷۱.

محمدی، زهرا؛ دانش، پروانه و پیش بهار، اعظم (۱۴۰۳): عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری، مطالعات فرهنگی پلیس، ۳۶، صص ۲۶-۱۴.

محمودیان، حسین؛ محمدپور، احمد و رضایی، مهدی (۱۳۸۹): زمینه های کم فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۴ (۸)، صص ۱۲۲-۸۵.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲): محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان ۹۹-۱۳۹۵.

منتظری، علی (۱۳۹۵): بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران، تهران، مرکز تحقیقات سنجش سلامت پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی.

میرابی، سعیده؛ میرزایی، حسین و حسینی درمیان، غلامرضا (۱۳۹۹): بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری، جامعه-شناسی کاربردی، ۳۱ (۳)، صص ۲۰-۱.

نظری ندوشن، حمیده؛ علی مندگاری، ملیحه، فرجادی، غلامعلی؛ کلانتری بنادکی، سیده زهرا و مهینی زاده، منصور (۱۴۰۲): مدل سیستمی عرضه نیروی کار در ایران: مطالعه ای با رویکرد پویایی شناسی کیفی سیستمها، نامه انجمن جمعیت شناسی، ۱۸ (۳۵)، صص ۵۵-۹.

- Abbasi-Shavazi M.J., and Khaje-Salehi, Z., (2013): Womens' Autonomy, social participation, and education and its impact on Childbearing Intention in Sirjan City. *Women in Development and Politics*, 11(1), pp. 45-64 .
- Abbasi-Shavazi, M. J., Hosseini-Chavoshi, M., & Banihashemi, F. (2013): Assessment and application of the own-children method for estimating fertility using the 1986-2011 censuses in Iran. Tehran, Statistical Research and Training Centre .
- Abbasi-Shavazi, M.J., & Askari-Nodoushan, A. (2005). Family change and fertility decline in Iran: A case study of Yazd province, *Journal of Social Sciences*, 25, pp. 75-25 .
- Abbasi-Shavazi, M.J., & Khani, S. (2014): Economic insecurity and fertility: Case study of married women in Sanandaj District, *Journal of Population Association of Iran*, 9(17), pp. 37-76 .
- Abbasi-Shavazi, M.J., and Mc Donald, P. (2006): Fertility decline in the islamic republic of Iran: 1972–2000, *Asian Population Studies*, 2 (3), pp. 217-237.
- Abbasi-Shavazi, M.J., Hosseini-Chavoshi, M., Bani-Hashemi, F., Bani-Hashemi, F., Fathi, E., Mirzaei, S., Nasiripour, M., Javid, N.M., Abbasi, A., Sarkheil, B., & Hosseini, S.M. (2020): Fertility Changes in Iran: 1992–2016, Tehran, Statistical Research and Training Centre .
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., and Hosseini-Chavoshi, M. (2009): The fertility transition in Iran: revolution and reproduction, New York, Springer.
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., Hosseini Chavoshi, M., & KavehFirouz, Z. (2003): Study of womens' views on fertility behaviours using qualitative methods in Yazd province, *Journal of Social Sciences*, 20, pp. 169-203 .
- Abbasi-Shavazi, M.J., Razeghi-Nasrabad, H., & Hosseini-Chavoshi, M. (2020): Socio-economic security and fertility intention in Tehran City, *Journal of Population Association of Iran*, 15(29), pp. 211-238.
- Aghajaniyan, A., & Mehryar, A. (1999): Fertility transition in the islamic republic of iran: 1976-1996. *Asia-Pacific Population Journal*, 14 (1), pp. 21-42.
- Ajzen, I. (1991): The theory of planned behavior, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50 (2), pp. 179-211.
- Ajzen, I. (2005): Attitudes personality and behaviour, England, Open University Press.
- Ajzen, I., and Klobas, J. (2013): Fertility intentions: an approach based on the theory of planned behavior, *Demographic Research*, 29 (8), pp. 203-232.

- Arpino, B., & Bellani, D. (2018): Better an egg today than a stork tomorrow? risk aversion and fertility decisions in Italy, Brussels.
- Cavalli, L., & Klobas, J. (2013): How expected life and partner satisfaction affect women's fertility outcomes: the role of uncertainty in intentions, *Population Review*, 52 (2), pp. 70–86.
- Easterlin, R. A. (1987): *Birth and fortune: the impact of numbers on personal welfare*, New York, Academic Press.
- Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975): *Belief, attitude, intention, and behavior: an introduction to theory and research*, MA, Addison-Wesley.
- Khodayari, R., Borzoeipour, S., & Nikpour Dehkordi, M. (2024): Future Studies on Policies to Increase the Total Fertility Rate in Iran using Scenario Methodology, *IBJ*, 28, pp. 172-172.
- Lesthaeghe, R. & Surkyn, J. (2012): When history moves on: foundations and diffusion of a second demographic transition, in: Jayakody, R., Thorton, A., Axinn, W. (eds.) *international family change: ideational perspectives* Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum and Associates.
- Lesthaeghe, R. (2010): The unfolding story of the second demographic transition, *Population and Development Review*, 36 (2), pp. 211-251.
- Lesthaeghe, R. (2020): The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update, *Genus*, 76 (10), pp. 1-38.
- Lutz, W., Skirbekk, V., & Testa, M. R. (2006): The low-fertility trap hypothesis: forces that may lead to further postponement and fewer births in Europe, *Vienna Yearbook of Population Research*, 4, pp. 167–192.
- McDonald, P. (2000): The toolbox of public policies to impact on fertility—a global view, Paper presented at the seminar low fertility, families and public policies, Organized by The European Observatory On Family Matters In Sevilla, Spain.
- Van de Kaa, D.J. (1987): Europe's second demographic transition, *Population Bulletin*, 42 (1), pp. 1-59.
- Van de Kaa, D.J. (2001): Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior, *Global Fertility Transition Population and Development Review*, 27 (1), pp. 290-331.
- Wilson, C. (2001): On the scale of global demographic convergence 1950–2000, *Population and Development Review*, 27 (1), pp. 155-171.